

از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ تا توافق با آمریکا



محسن هاشمی‌رفسنجانی

در سالروز آغاز جنگ تحمیلی قرار داریم، ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، ارتش عراق با چراغ سبز ابرقدرت‌های غرب و شرق و با تصور ضعف ایران و با ارتجاع منطقه، حمله به ایران را با هدف تجزیه ایران و سقوط نظام شروع کرد. هدف ابتدایی آن جداسازی خوزستان از ایران و هدف نهایی سقوط جمهوری اسلامی بود؛ چراکه بدون خوزستان و منابع انرژی آن کشور اداره نمی‌شد. خوشبختانه با رشادتها و شهادت‌ها و تحمل و حمایت مردم به نتیجه نرسیدند و دفاع مقدس در حافظه تاریخی مردم ایران جاودانه شد. البته هشت سال بعد کلمه «جام زهر» از سال ۱۳۶۷ با قبول قطع‌نامه ۵۹۸ در حافظه سیاسی ایران جای خود را باز کرد، اما همان‌گونه که امام خمینی در پیام چند هفته بعد خود تصریح کرد این جام زهر به شهد شیرین تبدیل شد و صلح را برای ایران به ارمغان آورد و مردم ایران جام زهر را به‌هیچ‌وجه به‌عنوان شکست تعریف نکرده و نمی‌کنند، بلکه آن را تصمیمی راهبردی فرض می‌کنند که در مقابل سایر راه‌حل‌های مطرح در آن سال‌ها، از ادامه جنگ پرهزینه جلوگیری کرده است. مردم ایران قبول کرده‌اند که پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و پایان دفاع مقدس از سوی امام خمینی و نیروهای مسلح به دلیل ضعف نبوده، بلکه مقامات تصمیم‌گیر و حتی مردم به این حقیقت رسیده بودند که ادامه دفاع و حمله دیگر نمی‌توانسته خدمت به ایران و اسلام باشد و در صورت اصرار به ادامه آن، باعث ضررهای جبران‌ناپذیری به ایران می‌شد. بزرگ‌ترها و میانسالان که آن موقع پرشور در صحنه بودند، به خاطر دارند که امام خمینی (ره) بر تداوم جنگ تا سقوط صدام و حزب بعث جدی بودند و حتی در پیامی فرموده بودند که آینده جنگ در میدان مشخص می‌شود و نه با مذاکرات، ولی همه دیدیم که در تابستان ۶۷ بعد از هشت سال دفاع مقدس، امام خمینی ثابت کردند که حفظ کشور و ایران و البته نظام، با وجود تقدیم ۲۲۰ هزار شهید، به شکست دشمن ارجح است. بعد از تصمیم امام خمینی مذاکرات چندین ماهه با عراقی‌ها منجر به تثبیت مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و آزادی اسرا شد و عراق متجاوز شناخته شد. صدام در آخرین نامه به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نوشت که تمام خواسته‌های ایران پذیرفته شد. شایان ذکر است که دیپلماسی مدیون عملیات غرور آفرین والفجر ۸ و کربلای ۵ بود که باعث روند شکل‌گیری قطع‌نامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ شده بود، ولی با عدم قبول فوری آن از طرف ایران، جنگ حدود یک سال دیگر ادامه پیدا کرد و هنگامی مورد قبول واقع شد که احساس ضعف به دلیل از دست دادن بعضی از آن دستاوردها نظیر سقوط فاو و مجنون و شلمچه نمایان شده بود. بازسازی و ساخت زیربناها در طول هشت سال دولت سازندگی کشور را از بحران نجات داد. نقش دیپلماسی در این موضوع چشمگیر بود. امام هم در صلح جدی بودند. یکی از دلایل طولانی‌شدن دفاع مقدس در آن زمان با وجود راهبرد فرماندهی که با دفاع و عملیات پی‌درپی نظامی به نقطه مناسب و برتر برای مذاکرات و اتمام جنگ برسد، ولی راهبرد اام و نیروهای مسلح هدف حمله‌ها را سقوط صدام و حزب بعث عنوان می‌کردند و دیپلماسی جای مهمی نداشت و از راهبرد ترکیبی این دو استفاده نمی‌شد، بنابراین راهی برای پایان سیاسی جنگ باز نمی‌شد و دیپلماسی به صورتی در تعلیق بود. اگر قطع‌نامه ۵۹۸ که بلافاصله پس از تصویب از سوی عراق پذیرفته شد، از سوی نظام هم پذیرفته می‌شد، احتمال رخ‌دادن دو اتفاق وجود داشت؛ از راهبرد ترکیبی این دو استفاده پایمند می‌ماند و آتش‌بس یک سال زودتر رخ می‌داد که دراین‌صورت حدود نیمی از آزادگان به اسارت گرفته نمی‌شدند، نیمی از شهدای غیرنظامی جنگ، زنده بود و حدود نیمی از خسارت‌های وارده به زیرساخت‌ها و حملات موشکی به شهرهای ایران رخ نمی‌داد یا اینکه صدام به جنگ ادامه می‌داد که دراین‌صورت، ایران به‌عنوان کشوری صلح‌جو تثبیت می‌شد و بسیاری از حمایت‌های نظامی و مالی از عراق قطع می‌شد. اما متأسفانه با یک برآورد غلط که مسا می‌توانیم عراق را به طور کامل شکست دهیم و صدام را سا‌ظت کنیم، جنگ یک سال دیگر ادامه پیدا کرد. اکنون با تجربه مهمی که از دفاع مقدس در اختیار داریم، نباید از یک سوراخ دوبار کزیده شویم. در جنگ ردیلانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران که با فرض ضعف حاکمیت ایران نزد مردم و با همان اهداف جنگ تحمیلی هشت‌ساله آغاز شد، نباید مجددا فضای جامعه را به سوی غلبه احساس بر رویکرد واقع‌گرایانه در قبال منافع ملی و کلان کشور تحریک کنیم.

شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۵
۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۹ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۷۸
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید:

«وتو» روسیه و چین، پیش‌نویس قطع‌نامه آمریکا علیه ایران را از دستور کار شورای امنیت خارج کرد

دست رد بر سینه آمریکا

گزارش تینیریک را در صفحه ۴ بخوانید

روزمایش ۳۱۳ هزار فقری از میدان امام حسین (ع) تا میدان انقلاب اسلامی برگزار شد

ایران برای همه ایرانیان

پزشکیان: جان فدایان در مصرف برق گاز و بنزین صرفه‌جویی کنند



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

یادداشت

پیش‌چشمت‌داشتی شیشه‌کبود



مهرداداحمدی‌شیخانی

همیشه با شک و تردید و بسیار با دقت در ظرایف، به روابط نگاه کرد. ولی این دقت باید در همه‌جا و نسبت به همه رعایت شود. یعنی نمی‌شود یکی بگوید من قصدم نابودی تمدن ایرانی است و به این قصد و هدف، عمل کند و این را بنیانی در سیاست و ذهنیت آن طرف که ما را بمباران می‌کند ندانیم و بعد بگوییم «همه بدبختی ما از آن یکی کشور است». بگذارید به چند مورد اشاره کنم. تمدن چین حدود ۲۰۰ سال پیش از تمدن غرب، صاحب سه ابزار بنیادی استعمارگری (باروت، قطب‌نما و کشتی‌های اقیانوس‌پیما) بود ولی هیچ سابقه استعمارگری در تاریخ تمدن چین مشاهده نمی‌شود. در مقابل، تمدن غرب نه‌تنها دارای سابقه گسترده استعمارگری است، بلکه ایسن تهدید ترامپ که تمدن ایران را نابود می‌کنم، گرافه‌گویی یک ذهن بیمار نیست، بلکه تمدن غرب تا قبل از این تهدید روشن، چهار تمدن باستانی دیگر (مصر، آرتک، اینکا و هند) را نابود کرده بود و از هفت تمدن باستانی، فقط دو تمدن دیگر، یعنی تمدن ایران و تمدن چین است که هنوز نابود نکرده و برای همین، تهدید به نابودی تمدن ایران، فقط یک ایده مالخوبلایی نیست، یک مسیر است که تمدن غرب، ۲۰۰۰ سال است که در آن قدم گذاشته و امروز آن بخش از این تمدن که به این مسیر باور دارد است که در راس قدرت آمریکا و جهان قرار گرفته و می‌گوید «حالا بعد از ۲۰۰۰ سال می‌توانیم کار ایران را یکسر کنیم». اما با وجود این تهدید آشکار، جامعه ما به‌ویژه تحصیل‌کردگمان، وقتی چند سال پیش طرح توافق‌نامه راهبردی ۲۵ ساله با چین مطرح شد، به‌جد علیه‌اش شوریدند یا در همه این سال‌ها بدون حتی یک خط مستندات، از تحویل جزایر خلیج فارس به چینی‌ها یا چشم‌پوشی ایران از حقوق ۵۰درصدی خود در دریاچه خزر می‌گویند (حقوق ۵۰درصدی؟).

با درست در همین ایامی که منابع اطلاعاتی غربی از این می‌گویند که در حمله ایران به پایگاه‌های آمریکایی، ایران از کمک‌های ماهواره‌ای چین و روسیه بهره‌مند بوده و در شورای امنیت و دیگر مجامع و نشست‌های بین‌المللی مانند جی ۲۰، چین به تنهایی یا با همراهی روسیه از حقوق ایران دفاع می‌کنند، یکی از شناخته‌شده‌ترین فعالان سیاسی کشورمان می‌گوید چین ما را تهدید کرده که یا با آمریکا و عربستان و امارات به توافق برسد و یا دیگر نماینده کشورتان را به چین نفرستید. خب دقیقا این حرف یعنی چه و درست همان زمانی که هم چین و هم روسه دارند از ایران در شورای امنیت دفاع کرده و قطع‌نامه‌هایی که آمریکا و اروپا و کشورهای عربی حامی و طراح آن‌اند، وتو می‌کنند، این‌گونه سخن‌گفتن یک فعال شناخته‌شده عرصه سیاست و اقتصاد کشور را به چه تعبیر کنیم؟

قطعا و حتما باید به روابط بین‌الملل با شک و تردید نگاه کرد. ولی یادمان باشد که در این روابط، برای هر کشوری، منافع ملی اولویت دارد. برای ما هم لازم است که همین‌گونه باشد و به قول آن سخن معروف، «در سیاست رفاقت نداریم، فقط منافع داریم». حالا در این منظر منافع، منفعت ما در هم‌پیمانی با کدام‌طرف است. آن طرف که می‌گوید می‌خواهم تمدن ایرانی را نابود کنم و به عصر حجر بفرستم و این قصد را هم عملیاتی کرده، یا آن‌طرف که در مقابل این تهدید به ما کمک می‌کند؟حتی اگر هم بگوییم چنین کمکی را به خاطر منافع خود انجام می‌دهد، باز هم اینکه بهتر است با کسی هم‌پیمان باشیم که منفعتش در ماندن ایران است و نه آن کسی که منفعتش را در نابودی ایران می‌داند. یا یکی از همین اهل سیاست که زمانی جایگاهی بلند در کمیسیون امنیت ملی مجلس داشته، بارها و حتی در همین یکی دو روزه می‌گوید «چین به خاطر منافعتش، بین ایران و آمریکا، طرف آمریکا را خواهد گرفت». خب حالا این یعنی چه؟ یعنی تلاش نکنیم که بتوانیم چین را تبدیل به هم‌پیمان خود کنیم؟ یا اینکه نمی‌توانیم چین را هم‌پیمان خود کنیم؟ اگر منظور آن اهل سیاست که بسیاری افراد، سخنانش را چون نقل و نبات منتشر می‌کنند نظر اول باشد که نتیجه‌اش یعنی باید تسلیم آمریکا شویم، اگر هم منظورش دومی باشد که باز هم باید تسلیم آمریکا شویم. خب چرا مطلب را می‌پیچانید؟ اگر منظورتان این است که راهی جز تسلیم نداریم، حرف دلتان را بزنید و اگر معتقدید لازم است که تسلیم نشویم، بگویید این لزوم چگونه محقق می‌شود؟ اینکه بگوییم تا اقلعا با چه قصدی گفته می‌شود؟ و آیا وقتی در عرصه واقعیت، به‌رغم آنکه گفته شده بود، چین فرستاده ایران را به شرط حل مسائل با امارات و عربستان

و آمریکا می‌پذیرد، عراقچی به چین رفت و به‌رغم آنکه گفته شد، چین بین آمریکا و ایران، طرف آمریکا را می‌گیرد، قطع قطع‌نامه آمریکا را وتو کرد، یک معنی بیشتر ندارد، سیاست، آن هم سیاست بین‌الملل، به این سادگی‌ها که این دو استخوان خسر کرده عالم سیاست و شاید اقتصاد تصور می‌کنند نیست. اینکه پیش چشم، شیشه‌کبود بگیریم، رنگی به جهانی که می‌بینیم خواهد داد که شاید رنگ واقعی جهان نباشد. هنر سیاست آن نیست که پیشاپیش همه‌چیز را قطعی و حتمی تصور کنیم و یادمان باشد که در این سیاست، نه رفیق داریم و نه دشمن، فقط منافع داریم و هنر یک سیاست‌ورز آن است که وقتی یک نفر صراحتا می‌گوید تمدن تو را نابود می‌کنم، بتواند به رقبای او بفهماند اگر من نابود شوم، نفر بعدی تو هستی، پس منفعت بزرگ‌تر و درازمدت تو در این است که من باشم، که اگر من نباشم، از آن هفت تمدن باستانی فقط شما دوتا خواهید ماند و یک جنگ آخرالزمانی.



واکاوای اظهارات اخیر پزشکیان و معادلات کردی منطقه پس از جنگ ایران و آمریکا در گفت‌وگو با قدرت احمدیان

هزارتوی یک گره امنیتی

برگزیده‌ها

پروژه صدر و اقتصاد سیاسی یک بزرگراه؛ چه کسی هزینه داد، چه کسی سود برد؟
صدر؛ وقتی ترافیک دوطبقه شد

واشینگتن هم‌زمان با تشدید جنگ عربستان و حوثی‌ها مسیر فروش ۴۸ جنگنده به ریاض را باز کرد

اف-۳۵ در سایه گسترش جنگ

گفت‌وگو با علی‌تهرانی‌نصر درباره اثر جنگ و قطعی اینترنت بر ریسک سرمایه‌گذاری و آینده اقتصاد دیجیتال

کسی دنبال رشد نیست حالا تاب‌آوری مهم است

حدود ۱۰ روز پس از بارندگی شدید در شهرهای شمالی، مردم رشت از شهری می‌گویند که زیر باران خسارت دید

سقف‌هایی که تاب نیاوردند

گفت‌وگو با یوسف حاتمی‌کیا، کارگردان فیلم «اسکورت»

قهرمان خاکستری

نگاهی به چالش جدید برای وکلا
یادداشتی از ابراهیم ایوبی

یادداشت

بازار مشترک قدرت

جایی که صندلی‌ها می‌مانند و دولت‌ها می‌روند



جواد اهام

در هر انتخاباتی از تغییر، تحول، شایسته‌سالاری و ضرورت اصلاح امور سخن گفته می‌شود. مردم پای صندوق رای می‌روند تا در مسیر اداره کشور اثرگذار باشند و میان برنامه‌ها، رویکردها و جریان‌های سیاسی دست به انتخاب بزنند. بالین‌حال، گاهی پس از انتخابات با واقعیتی مواجه می‌شویم که ایسن پرسش را پیش می‌کشد: آیا تغییر دولت‌ها الزاما به معنای تغییر در شیوه حکمرانی است؟ اینجاست که مفهوم «بازار مشترک قدرت» معنا پیدا می‌کند؛ بازاری که در آن برخی افراد و حلقه‌ها نه لزوما به یک جریان سیاسی، بلکه به خود قدرت وابسته‌اند. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، شعارها و گفتمان‌ها تغییر می‌کنند، اما اتان با تغییر تابلی، عنوان یا موقعیت، همچنان در مدار قدرت باقی می‌مانند. البته حضور یک مدیر در دولت‌های مختلف، به خودی خود نه عیب است و نه نشانه فرصت‌طلبی، تجربه، تخصص، سلامت و کارآمدی می‌تواند استمرار مسئولیت یک مدیر را توجیه کند...

سرکار خانم‌ها دکتر سارا، دکتر سالومه و دکتر سمیرا میس‌سالاریان

تسلیت واژه کوچکی است در مقابل مصیبت بزرگ از دست دادن پدری مهربان و فداکار که همه عمر برای بالیدن فرزندانش از هیچ کوششی فروگذار نکرد. برای پدر گرمی‌تان رحمت و غفران الهی و برای شما عزیزان و سایر بازماندگان آرزوی صبر و بردباری در برابر این غم بزرگ را داریم.

ناهید و صدیقه تقوی